

برای ایران عینک کارآمدی بزنید



علی مومنی
خبرنگار گروه نقد روز

روز گذشته اولین جلسه بررسی صلاحیت و برنامه‌های وزرای کابینه پیشنهادی پزشکیان در صحن علنی مجلس برگزار شد و موافقان و مخالفان گزینه‌های تصدی‌گری وزارتخانه‌ها، نظراتشان را اعلام کردند. این جلسه به دلیل حساسیت موضوع و با موافقت نمایندگان تا ساعت ۱۹ ادامه پیدا کرد. با این حال مسأله‌ای که حول محور جلسات رای اعتماد شکل می‌گیرد، درباره روح حاکم بر این جلسات است. مشخص نبودن ایده حکمرانی منجر به شکل‌گیری چالش‌هایی هم در مسیر دولت و هم مجلس شده و همین موضوع تبعاتی از جمله مبهم بودن اهداف و برنامه‌های مربوط به توسعه کشور می‌شود. از سوی دیگر برخی سعی می‌کنند بخش‌هایی از کابینه دولت را جدا کرده و آرایش کابینه را با سلیقه خودشان تنظیم کنند. این موضوع اساسا منجر به سلب هویت از دولت می‌شود و ترکیب آن را بر هم می‌زند. علاوه بر این در جلسه امروز هم مانند آنچه که تا امروز دیدیم، برخی از نطق‌های نمایندگان رنگ و بوی سهم خواهی داشت. این مسأله هم خطراتی دارد که نبود ایده حکمرانی، آن را تشدید می‌کند. ساده‌انگاری سازوکارهای حکمرانی هم از مهم‌ترین و در واقع مضرترین اتفاقاتی بود که در روزهای اخیر دیدیم. به نظر می‌رسد در برخی موارد متر و معیارها از کارآمدی فاصله گرفته است. در این زمینه بهتر است عینک سیاسی را کنار گذاشته و با لنز کارآمدی وزرا را ببینیم و انتخاب کنیم. پیرو بررسی فضای حاکم بر جلسات رای اعتماد مجلس با مجید شاکری و امیر خراسانی، کارشناس مسائل سیاسی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

شاکری: سال‌هاست ایده مرکزی برای حکمرانی نداریم

مجید شاکری معتقد است دولت چهاردهم هنوز ایده مرکزی ارائه نداده است. او در این باره گفت: «ابوالحسن ابتهاج در جیبش یک دفترچه داشت و اسامی را در آن یادداشت می‌کرد. از او پرسیدند برای چه این کار را می‌کنی، پاسخ داد برای اینکه بدانم اگر لحظه‌ای به من تکلیف شد که تشکیل دولت دهم، آن لحظه بدانم با چه کسانی، برای چه شغلی و چرا می‌خواهم کار کنم. این چرایی مرکزی است، یعنی شما بدانید طی این چهارسال در یک پاراگراف می‌خواهید چه کاری انجام دهید و برای آن کدام سمت‌ها حیاتی هستند و چه آدم‌هایی را می‌خواهید قرار دهید. پس آن وقت معلوم می‌شد که چانه‌زنی‌های سیاسی در کدام سمت‌ها باید انجام شود و در کدام سمت‌ها انجام نشود. نکته‌ای که دیروز وجود داشت - و خیلی مهم است - این است که نطق رئیس‌جمهور همچنان تاکید می‌کرد دولت چهاردهم فاقد ایده مرکزی است. از این لحاظ دولت چهاردهم خیلی شبیه دولت سیزدهم است. ایده مرکزی شعار نیست، بلکه یک پاراگراف است که شما به صورت خلاصه بتوانید بگویید دولت در این چهارسال می‌خواهد چه کار کند. آخرین دولت در ایران که ایده مرکزی داشته دولت روحانی بود. ایشان می‌گفت من با یک رکود توری مواجهم و با اقدامات انتقاضی حوزه سیاست پولی این را به رکود تبدیل می‌کنم و با اقدامات در سیاست خارجی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، از این وضعیت رکود خارج و وارد دوره رونق می‌شوم. این یعنی شما در یک پاراگراف می‌توانستید برنامه حسن روحانی را بنویسید. بعد از اینکه سال ۹۵ ایده مرکزی دولت اول روحانی شکست خورد تا امروز هیچ دولتی نداشتیم که براساس یک ایده مرکزی بیاید. وقتی شما ایده مرکزی دارید دیگر ایجاد سازوکاری مثل کارگروه‌ها و انواع چانه‌زنی‌ها و زمان‌گذاری‌ها برای اینکه وزرای خود را انتخاب کنید معنا پیدا نمی‌کند. تمام انتقادهایی که دیروز درباره سهم اهل سنت، سهم زنان و... شد همه ادامه بی‌ایده‌ی دولت است. وقتی مسأله شما یک ایده باشد و هدف داشته باشید، مسأله کارآمدی و شایستگی و تناسب سوابق با ایده مرکزی است. دیگر مسائلی مثل سهمیه بندی کردن در آن بی‌معناست. به هر حال ممکن است انتخاب‌هایی را که برای دولت چهاردهم معرفی شدند قابل دفاع بدانیم اما حتی اینها هم اگر ایده مرکزی وجود نداشته باشد که روابط بین آنان و وزرا و رئیس‌جمهور ساماندهی شود، نمی‌توانند در نهایت روی دویا سه هدف مشخص متمرکز شوند. ایشان می‌گفتند ایده مرکزی شما یک سری اهداف و کارهای خوب را می‌خواهید کنار بگذارید. این مسأله اصلی است و کمابیش برخی نماینده‌ها به این موضوع اشاره کرده‌اند اما آنها هم نه اینکه یک ایده مرکزی باشند، بلکه بیشتر شبیه برنامه چاپ شده بوده‌اند. ممکن است برنامه‌های گسترده‌ای داشته باشید اما هیچ ایده‌ای نداشته باشید. برنامه‌ای که شامل همه اولویت‌ها شود، یعنی شما هیچ ایده‌ای ندارید، مثل طرح تحول دولت در دولت سیزدهم.»

وضعیت فراتر از خط‌کشی‌های سیاسی است

شاکری با بیان اینکه وضعیتی که ما الان در آن قرار داریم فراتر از این خط‌کشی‌های سیاسی است، گفت: «الان مثلا درباره اینکه نهایتا میدری امکان معرفی داشته باشند، کارشناسان اصولگرا خیلی جدی‌تر از کارشناسان اصلاح طلب در این حوزه کوشیده‌اند. درحالی که میدری با این سوابق یک شخصیت نشان دار اصلاح طلب حساب می‌شود، لذا من در نهایت با توجه به سهم انتقادات نسبت به اینکه نباید دولت کاملاً جدای از پایگاه رای رئیس‌جمهور باشد، کارآمدی را مسأله‌ای بالاتر از همه اینها می‌دانم.»

وزیر صرفاً مسئول وزارتخانه خودش نیست

این کارشناس مسائل سیاسی معتقد است به طور خاص درباره وزیر بهداشت، وجه فنی ظرفیتی با توجه به حمایتی که مرندی هم روز گذشته از ایشان کرد و اشاره صریحی که ایشان داشت به اینکه در حوزه تقویت و بازتعریف شبکه بهداشتی می‌شود به ایشان نگاه کرد و ایده‌ای که قبل مرندی داشتند مبنی بر تبدیل شبکه بهداشت به ستون فقرات حکمرانی در ایران، حضور ظرفیتی می‌تواند جالب باشد. اما در کنار موضوع فنی، به هر حال وزارت یک شغل سیاسی است، یعنی وزیر صرفاً مسئول وزارتخانه خودش نیست، بلکه یک عضو هیات دولت است و صرفاً در حوزه مسائل مربوط به وزارتخانه خودش رای نمی‌دهد، بلکه درباره همه موضوعات امنیتی، سیاسی، سیاست خارجی و قراردادها رای می‌دهد. در این حوزه تفاوتی بین وزارت بهداشت و وزیر امور خارجه وجود ندارد. به لحاظ سیاسی نمی‌شود وزیر کسی باشد که مثلاً صراحتاً از یک



شورش براندازانه مثل ۱۴۰۱ حمایت کرده. باز معنی موضوع این نیست که اگر ایشان در شورش ۱۴۰۱ کاری کرده باشد، دیگر نمی‌شود از خدمات ایشان در جاهای دیگر استفاده کرد. این نیست که اگر کسی در سال ۱۴۰۱ بنا بر تصمیم خودش کنش یا موضعی داشته این موضوع غیرقابل جبران باشد. اما ضمناً نمی‌شود شما با هزینه صفر هم بخواهید تغییر موضع سیاسی بدهید از کسی که از رفتار براندازانه‌ای حمایت کرده است. در حالت عادی باید قیاس موضوع با ایده مرکزی دولت مرکز توجه باشد اما چون الان ایده مرکزی به آن معنا وجود ندارد، در عمل باید به سوابق نگاه کنیم، مثلاً سوابق میدری با برنامه‌های ایشان همخوانی دارد یا خیر؟ این تنها راهی است که در این موضوع باقی می‌ماند. به هر حال عرض می‌کنم فارغ از موضوع وزارتخانه‌ها، نهایتاً دولت نیازمند کسی است که در سطح جمع‌بندی بین اقتصاد، سیاست خارجی و امنیت این کار را انجام دهد. فکر می‌کنم هنوز مشخص نیست چه کسی در دولت قرار است این کار را انجام دهد، چون سمت‌هایی که تا الان منصوب شدند، با این رویکرد نیده‌اند. امیدوارم این ضعف حتی اگر شده بعد از رای اعتماد برطرف شود.

سهم خواهی، نتیجه فقدان ایده مرکزی است

شاکری با تاکید بر اینکه به طور طبیعی همه دولت‌ها با سهم خواهی گروه‌های سیاسی مختلف که بخش‌های گوناگون را نمایندگی می‌کنند، مواجه هستند، گفت: «مسأله اینجاست که اجازه دهیم این سهم خواهی‌ها در کدام سمت باشد. اگر دولت ایده مرکزی داشته باشد، سمت‌های همیش مشخص است و اصلاح‌وری آنها وارد معامله سیاسی نمی‌شود. ولی اگر ایده مرکزی نداشته باشد افراد نسبت به همه پست‌ها آماده سهم خواهی هستند. در این لحظه با توجه به شرایطی که کشور در آن قرار دارد، «کارآمدی» مسأله شماره یک است. به طور خاص سهم خواهی‌های جنسیتی یا قوم‌گرایانه و امثال اینها در تضاد مطلق با شایسته‌گزینی است. ما عراق و لبنان نیستیم که نظام طائفی بخواهد در کشور حاکم باشد. یک کشور با دولت مرکزی و با هزاران سال سابقه دولت مرکزی هستیم. نه یک کشور برآمده از نظام سیاسی برآمده از بیپایان سیاسی طائف، لذا هم درباره سهم خواهی‌های سیاسی به طور عام و هم سهم خواهی‌های سیاسی که به طور خاص به گروه‌های قومیتی یا جنسیتی و امثال اینها برمی‌گردد، مسائلی هستند که با کارآمدی در ارتباطند. در مجموع فضا را برای دولت حداقل با توجه به نکات صبح روز گذشته بسته نمی‌بینم، یعنی حسن نمی‌کنم مثلاً ما با تعداد زیادی وزیر رای نیاورده مواجه شویم. این فضا حداقل از الان مشخص شده است.»

خراسانی: الان وقت بازگویی کمیسیون‌هاست

امیر خراسانی با یادآوری روند و پیام انتخاباتی و تاثیر آن بر ایده‌های پزشکیان گفت: «این انتخابات در برهه‌ای برگزار شد که هم بلوک‌های قدرت بیشترین تعارض را با هم داشتند و هم این تعارض‌ها بیشتر به اعتراضات گسترده اجتماعی تبدیل شده و سرمایه اجتماعی دولت کاهش یافته بود. در نتیجه برچسب‌ترین حرف پزشکیان این بود که من کسی هستم که می‌خواهم تنش‌ها را کم کنم. حالاً اینکه زنان و اهل سنت بیایند به خاطر فشار دوسال گذشته بود. بالاخره در این دوسال زنان سوازی از مطالبه حجاب و اینها مطالبات جدی داشتند و می‌خواستند سقف آرزوهای خود را بالاتر ببینند. مثلاً دخترکی که دانشگاه رفته و درس خوانده و تجربه مدیریتی دارد، می‌خواست تصور کند می‌تواند در این کشور وزیر و معاون وزیر هم بشود. بنابراین قرار بود سقف را بالا ببرند تا ترمیمی در این شکاف‌ها ایجاد شود. ما در ایران نظام مسائلی داریم و دست‌کم یک توافق کارشناسی بر سر آن وجود دارد. یعنی همه بر سر مسائل انرژی در ایران توافق دارند، اگرچه ممکن است بر سر راه حل آن اختلاف وجود داشته باشد. ولی نظام مسائل ما تقریباً مشخص است. تصور من این است که الان وقت بازگویی کمیسیون‌هاست. مجلس در ایران حزبی نیست و به همین دلیل ۲۰ درصد آدم‌های سیاسی قوی و اثرگذار هستند. اگر بخواهیم خیلی هنجاری و از منظر باید‌ها حرف بزنیم، به نظر من الان مجلس باید با نگاهی واقع‌بینانه به وزیر پیشنهادی بگوید برای آن نظام مسائل اولویت بندی‌اش چیست. کشور ما مسائل زیادی دارد و هیچ وزارتخانه‌ای نمی‌تواند همه مسائلی را با این بودجه حل و فصل کند. در بهترین حالت این می‌شود که هر وزارتخانه برای دوتا از مسائل کلانش را حل داشته باشد. با توجه به امکاناتی که داریم باید اولویت بندی کنیم. من فکر می‌کنم نقش کمیسیون‌ها تعیین‌کننده است؛ از این جهت که مسأله مورد اشاره را معلوم کند. یعنی مثلاً به وزیر بهداشت بگویید وزارتخانه شما این پنج مسأله را دارد. برنامه شما برای این مسائل چیست. بنابراین به نظر می‌رسد که باید بازگویی اصلی

انتخاب وزرا، کمیسیون‌های تخصصی باشند.» این کارشناس مسائل سیاسی با بیان اینکه در خیلی از کشورهای دنیا وزارت سمت سیاسی است علت آن را بدنه تکنوکراسی قوی دانسته و ادامه داد: «در آنجا کشور برنامه محور است؛ بنابراین وزارت تبدیل به یک سمت سیاسی می‌شود که بر وجهه را جذب کرده و برنامه آماده شده و اجرا کند. در ایران این‌گونه نیست. در ایران وزارت همچون مدیرکلی بوده و وزیر جایگاه اجرایی دارد. ایده اصلی دولت پزشکیان این است که کشور در وضعیت وعده‌ها و دعوی حد اکثری نیست. به نظر تمام حرف پزشکیان این بوده که هرکس جراحی استاده یک قدم برود عقب. آقای جلیلی، شما اگر می‌خواهی گردش به شرق کنی یا آقای ظریف، اگر می‌خواهی گردش به غرب کنی یک قدم به عقب برو. اصلاح طلب‌های تندرو یک قدم برود عقب تا فضا باز شود. در واقع رویکرد پزشکیان باز کردن فضای سیاسی در ایران بوده است. به همین دلیل نیز شورای راهبردی انتقال قدرت از جهت سیاسی مهم محسوب می‌شود. فارغ از اینکه نتیجه‌اش چیست و چقدرش انجام شده به لحاظ سیاسی مهم بود؛ به این دلیل که دعوای سیاسی وزرا را روی دوش تکنوکرات‌ها انداخت. به غیر از سه وزیر اطلاعات، دفاع و کشور که باید با مقامات بالاتر هماهنگ شود دست‌کم ۹ وزیر از این فرآیند خارج شده است. در نتیجه رویکرد پزشکیان سیاسی است. رویکرد سیاسی پزشکیان چه می‌گوید؟

این رویکرد اولاً می‌گوید که در ۲۰ سال گذشته هرکاری در کشور خواستیم بکنیم، هزینه‌اش را طبقات متوسط و پایین داده‌اند. پزشکیان به همین دلیل سیاست مبارزه با شوک‌درومانی را در پیش گرفت. کلیدواژه پزشکیان انصاف و تبعیض بوده است. پزشکیان می‌گوید دیگر نمی‌خواهد هزینه اقداماتش را طبقات ضعیف بدهند. اگر حرف‌های نزدیکان پزشکیان، یعنی چهره‌هایی همچون میدری، لیلاز و عبدالعلی‌زاده را بشنویم این مضمون مشترک را دارند که ما مجبوریم تصمیمات بزرگ بگیریم و در عین حال نمی‌توانیم بار این تصمیمات را روی دوش مردم بیندازیم چون مشکلات اقتصادی و امنیتی به وجود می‌آورد. وزیر باید بتواند از مسائل مربوط به وزارتخانه‌اش حداقل دور مورد را سامان بدهد، در عین حال که این تصمیمات قدرت اقتصادی طبقات ضعیف را ارتقا دهد یا دست‌کم وضعیت معیشتی آنها را بدتر نکند. این موضوع را ما در صحبت‌های پزشکیان مکرراً می‌بینیم. اینکه می‌گوید سفرمان باید یکی باشد، ایده سیاسی مهمی است که به برنامه جهت می‌دهد. هر برنامه‌ای باید حول همین ایده سیاسی اجرایی شود. در نتیجه از نظام مسائل هر حوزه باید چند مورد توسط وزیر به نحوی برچسب شده که طبقات ضعیف آسیب نبینند.

مجلس باید این پیام را بگیرد. بالاخره یک زن وارد کابینه شده و چند چهره جدید معرفی شده‌اند. پزشکیان حواسش بوده که کابینه تعارض نسازد. کابینه‌ای تشکیل شده که با بخش‌های مختلف حاکمیت وفاق داشته و موضوعاتش را با تعارض حل نمی‌کند. به همین دلیل وزرا و معاونان انتخاب شده هیچ کدام به سرور صد و شلوغ کردن شهرت ندارند. از همه مهم‌تر این افراد کارنامه واحدی دارند. آنها لحظاتی پرترشی همچون مجلس ششم، اتفاقات ۸۸ و ۱۴۰۱ را طی کرده‌اند. در این مسیر آنها هم اعتراض نشان داده‌اند و هم خود را داخل نظام و داخل اصلاح طلبان این بود که من حفظ کرده‌اند. پزشکیان دارد با این طیف کار می‌کند؛ طیفی که بازی میانه را بلد است. اراده عمومی کشور این است که خطی میانه شکل گیرد. در دو سال گذشته همه آمدند حداکثر دعوای‌شان را روی میز گذاشتند. در این وضعیت مدیریت کشور امر دشواری است. پیام عمومی کشور الان این است که اصلاح طلبی و اصولگرایی موضوعیت ندارد؛ باید کار به کسی سپرده باشد که بتواند بازی میانه کند. حتی کسانی که قبلاً چند اظهار نظر تند هم داشته‌اند الان خود را متعهد به بازی میانه می‌دانند. طریف آمد کسی مسأله را نتند کند، حذف شد. همه کسانی که با رویکردهای حداکثری دنبال پیاده‌سازی ایده‌هایشان بودند حذف شدند. فردی انتخاب شد که کمترین تعهد را به اصلاح طلبان داشت. پزشکیان هیچ وقت تعهد صدرصدی به رفتارهای اصلاح طلبان نداشته و همواره بازی میانه کرده است. بازی میانه یعنی حاضر شد در چهارچوب جمهوری اسلامی در ماجرای ۱۴۰۱ صحبت کند و ضمن این صحبت‌ها در داخل اصلاحات نیز باقی بماند.

رفتارهای پزشکیان یعنی کایشن پوشیدن، ادعاهای بزرگ نکردن و صداقت داشتن در جامعه خریدار دارد. مخالفان پزشکیان نیز تاکنون صداقت ایشان را رد نکرده‌اند. پزشکیان در تمام دوران انتخابات ریاست جمهوری توسط ۵۰ نفر از خبرنگارهای قدیمی اصلاح طلب دوره شده بود اما او خودش گفت ولم کنید، من ۳۰ سال است این‌گونه سیاست‌ورزی کرده‌ام، همین روش را هم ادامه می‌دهم. پزشکیان در کنار رئیسی تنها رسدای جمهوری بودند که از هیچ خط قرمز عبور نکردند. روحانی با رد کردن خط قرمز هسته‌ای توانست رای بیابود از پزشکیان این

کار را نکرده. پزشکیان با این رویکرد در یک فضای شکننده سیاسی قرار گرفته است، به این دلیل که همه گروه‌ها توجیه نیستند باید رویکردهای حداکثری را کنار بگذارند. پزشکیان الان باید مقاومت زیادی به خرج دهد تا بتواند با طیف میانه کار کند. بازی پزشکیان در مجموع بازی گسترش دادن فضای سیاسی است. نوع سیاستگذاری دولت ایشان نیز باید به نحوی باشد که کمترین بار را روی دوش طبقات پایین‌تر بگذارد. بدنه رای اصلی پزشکیان نیز همین طبقات پایین بودند. مجلس الان باید ذیل این گفتار سیاسی سیاستگذاری کند و بار روی دوش دولت نگذارد. حوزه‌های مورد مطالبه باید محدود باشند. اگر کمیسیون ۲۰ کلان مسأله را از وزیر مطالبه کند، واقع‌بینانه نیست. البته باید برای این ۲۰ مورد نیز برنامه داشته باشد اما انرژی اصلی باید روی ۲ یا ۳ موضوع باشد.»

از ساده‌سازی پرهیز و مطالبات اولویت بندی شوند

خراسانی با بیان اینکه روحانی زمانی که روی کار آمد استخوان بندی دولتش را روی دولت هاشمی بست و دولتش ترکیبی از اعتدالیون و کارگزاران بود، توضیح داد: «رئیس‌ی اما از روسای جمهوری بود که دیرترین کابینه را معرفی کرد به این دلیل که اصولگراها نتوانسته بودند همچون اصلاح طلبان برای خودشان تکنوکراسی بسازند. وزیر باید کسی باشد که مورد قبول بدنه باشد. در غیر این صورت بدنه با وزیر کار نمی‌کند و او را زمین می‌زند. مثلاً اسماعیلی که من در برخورد‌های شخصی او را فرد قابل قبولی می‌دانم مورد قبول بدنه وزارت ارشاد نبود اما همین بدنه برای فردی مثل مسجد جامعی بلند می‌شود. فرق می‌کند فردی وزیر شود که مورد قبول همه باشد یا کسی که از جانب بدنه با اقبال مواجه نمی‌شود. مثلاً بدنه وزارت راه مالواجر داری می‌شناسد. در نتیجه حضور او باعث می‌شود تصمیمات کلان راحت‌تر جلو برود. مشکل دولت سیزدهم این بود که بعضاً وزرای مسئولیت گرفتند که از جانب بدنه پذیرفته نمی‌شدند. من این را در دولت ایران بارها به چشم دیده‌ام که فرق است بین وزیریک که بدنه او را عضوی از خود می‌داند یا وزیریک که غریبه است و قرار است برود. بلایی که سروزارت آموزش و پرورش در دولت رئیسی آمد و چند وزیر عوض کرد. به نظر من یک حسن کابینه پزشکیان همین است. ظرفیتی فردی است که در بدنه بهداشت و درمان خیلی اعتبار دارد. اعتبار در ایران کارآمدی می‌آورد؛ چراکه فرد می‌تواند برنامه را اجرا کند. فردی که ساختار او را قبول دارد شبکه‌ای ذی‌نفعان را می‌شناسد، با آدم‌های مرتبط در تعامل است و می‌تواند به آنها مسئولیت سپاری کند. ظرفیتی در معاونت‌ها مختلف آدم‌های مرتبط را می‌شناسد.

گام مهمی که پزشکیان برداشته این است که می‌خواهد آدم‌های ذی‌نفع هر حوزه را در راس بگمارد برای اینکه بتوانند برنامه‌ها را پیش ببرند. ترمیم نظام تکنوکراسی، پیام به اجرای سیاست‌هایی که تبعیض‌زدایی کرده یا حداقل برآن نمی‌افزاید و واقع‌بینی مهم‌ترین ویژگی رویکرد سیاسی پزشکیان است. دولت در ساختار جمهوری اسلامی ایران با ۲۵ سال سن جوان محسوب می‌شود. چنین دولتی را با نظام‌های باسابقه سیاسی نمی‌توان به لحاظ ظرفیت نهادی مقایسه کرد. به همین دلیل بخشی از انرژی در این ۲ سال باید صرف ادامه پروژه دولت سازی شود. اتفاقاً مجلس باید به این توجه کند. مجلس ملی باید به این توجه کند که افراد معرفی شده برای هر حوزه چقدر در آن حوزه وزن سیاسی دارند و برای حل مسائل چه برنامه‌ای دارند. از کجا قرار است منابع تأمین کنند و بدنه‌ای که قرار است توسط او برای مسئولیت‌های اصلی انتخاب شوند چه ارزش افزوده‌ای دارند. بقیه مطالبات در اولویت‌های بعدی قرار دارند. الان باید از کمیسیون‌های تخصصی خواست محور مطالبات را تعیین کنند نه نمایندگان غیرمرتبط به هر حوزه. کمیسیون تخصصی موظف است چند مسأله اصلی هر حوزه را مورد مطالبه قرار دهد و از وزیر پیشنهادی بپرسد که هرکدام از آنها را چگونه می‌خواهد حل کند.»

ضعف احزاب و تشکیلات باعث سهم خواهی می‌شود

خراسانی معتقد است سهم خواهی بخشی از سیاست است. او در این باره توضیح داد: «چون احزاب و تشکیلات ضعیف شده‌اند سهم خواهی‌های ناموجه زیاد شده است. الان اگر تشکل کاری قوی داشتیم، باید برود در قبال رایی که می‌خواهد بدهد مطالباتش را مطرح کند. ولی در ایران خیلی فضا به هم ریخته است و گروه‌های عجیب و غریب با مطالباتی عجیب به دنبال سهم سیاسی خودشان هستند. مطالبه اهل سنت بودن وزیر یا توجه خاص به زبان‌های اقوام، نمونه‌هایی از همین سهم خواهی‌هاست. بزرگان مجلس که دارای وجاهت سیاسی هستند باید بروند برای حمایت از دولت میدان داری کنند. پیام سیاسی پزشکیان پیام سیاسی نظام است. حتی بزرگان بیرون مجلس باید از ظرفیت سیاسی‌شان برای امر استفاده کنند. الان وقت بازگویی نیروهای عاقل اصلاح طلب و اصولگراست.»

